خبر

نیما کرمی با «دونقطه» برگشت

مسابقه تلویزیونی «دونقطه» با محوریت زبان و ادبیات فارسی از چهارم فروردین ۱۴۰۳ به جدول پخش برنامه‌های نوروزی شبکه دو سیما اضافه می‌شود.

مسابقه تلویزیونی دونقطه به تهیه‌کنندگی مجید ظریف و سیدمحمد صفدری و کارگردانی محمد پورصباغیان سعی دارد با روشی جذاب زمینه یادگیری مفاهیم زبان و ادبیات فارسی را برای مخاطبان تلویزیون فراهم کند.

این برنامه به‌منظور ایجاد هیجان، شور و نشاط میان نوجوانان در قالبی متفاوت از سایر مسابقاتی که تاکنون در حوزه ادبیات و زبان فارسی پخش شده، از چهارم فروردین ۱۴۰۳ روی آنتن شبکه دو سیما می‌رود. دونقطه رقابتی بین ۳۲ گروه دختران و ۳۲ گروه پسران از سراسر کشور است که نیما کرمی به‌عنوان مجری در این برنامه حضور دارد.

این برنامه محصول گروه اجتماعی شبکه دو سیماست که با همکاری مؤسسه سپهر سوره‌هنر حوزه هنری انقلاب اسلامی تولید شده و در ۶۵ قسمت همزمان با فرارسیدن سال جدید روی آنتن می‌رود.

حاشیه‌ومتن

عوامل سریال مرهم با حضور در روزنامه جام‌جم از چالش‌ها و ن

سپیده اشرفی
گروه رسانه

سریال مرهم که چندوقتی است روی آنتن تلویزیون رفته، یک روایت متفاوت از زندگی طلبه‌های جوان را بیان کرده است. این مجموعه، از زاویه سختی‌هایی که همسران این طلبه‌ها متحمل می‌شوند به ماجرا وارد شده و از این منظر، یک قصه زنانه را روایت می‌کند. مرهم به کارگردانی محمدرضا آهنج که پیش از این هم مجموعه‌های پرکششی همچون ملکوت، آسمان من، راستش را بگو و... را روی آنتن برده بود، تلاش کرده از منظرهای مختلف به زندگی این طلبه‌ها نگاه کند. همه کاراکترهای این مجموعه خرده‌روایت دارند و به فراخور قصه اصلی، نور روی زندگی‌شان تابانده می‌شود تا جزئیات بیشتری از سختی‌های زندگی طلبگی و همسر طلبه بودن را ببینیم. سیدسجاد قافله باشی و پرویز امیری تهیه‌کنندگان سریال مرهم هستند که نگاه تازه و تجربه را با هم آمیخته‌اند و به نوعی بعد از سال‌ها برای پرداختن به زندگی طلبه‌های جوان خط‌شکنی کرده‌اند. در آخرین روزهای اسفند میزبان عوامل این سریال بودیم تا با حضور پرویز امیری و سجاد قافله‌باشی (تهیه‌کنندگان)، محمدرضا آهنج (کارگردان) و مسعود انتظاری (بازیگر) از چالش‌ها و جذابیت‌های تولید یک سریال با حال و هوای زندگی طلبه‌ها بشنویم.

به‌طور کلی قصه سریال مرهم، موضوعی بحث‌برانگیز است که شاید هر کسی سراغ آن نرود. شما محور را بر زندگی طلبه‌های جوان گذاشته‌اید و ممکن بود از دو طرف نقدهایی بشنوید. چه شد این قصه را انتخاب کردید و به نظر خودتان آیا خط‌شکنی نبوده؟ یعنی برای آنهایی که قرار است با رسانه‌ملی همراهی کنند، رفتن سراغ این موضوعات راحت‌تر شود...

محمدرضا آهنج، کارگردان: در درجه اول برای ما غبطه‌برانگیز بود و حیف‌مان می‌آمد که در ماه رمضان فرصتی داشته باشیم و بتوانیم کار تولید کنیم اما سراغ آن نرویم. چون معتقدم به‌لحاظ فنی هم، ماه مبارک رمضان، زمان خاصی برای بیان برخی محتواهاست. من همیشه گفته‌ام که ما مشرق‌زمینی‌ها خانواده را دوست داریم و قصه‌گویی را در بستر آن به تماشا می‌نشینیم. در مجموع، ماه مبارک رمضان، تریبون خاصی است. خود این مسأله، انگیزه‌ای است تا اثری را تولید کنیم.

وقتی آقایان قافله‌باشی و امیری من را به کار دعوت کردند، ۱۷قسمت از کار را خواندم و با صحبتی که داشتیم، به این نتیجه رسیدم که سوژه خوبی است اما باید با احتیاط سراغ آن رفت. البته قرار ما رد شدن از خط قرمزها نبود اما همین که روی این سوژه دست گذاشتیم، یعنی برخی موارد را باید پشت‌سر می‌گذاشتیم. چون در دو جبهه باید می‌جنگیدیم. قصد من خط‌کشی نیست اما در درجه اول خودی‌ها و آنهایی را که روحانیون را دوست دارند باید مجاب می‌کردیم که اگر دوربین وارد زندگی آنها می‌شود، قصد دارد چه بگوید. چون برخی نمی‌پذیرند که دوربین وارد زندگی آنها شود. نکته دیگر این‌که نحوه بیان آن هم مهم است. وقتی قرار است قصه‌ای بر پایه زندگی روحانیون روایت شود، چگونه باید روایت شود که بیننده دوست داشته باشد و نکات لازم هم برای آن رعایت شود؟ چون اگر برای مخاطب جذاب نباشد، ممکن است هیچ ارتباطی با قصه برقرار نکند و اهمیتی برایش نداشته باشد. این از سختی‌های کار بود که بخش مهمی از آن با چند سال تلاش تهیه‌کنندگان، به یک نقطه رهایی رسیده بود و در واقع مشخص بود که قرار است چه قصه‌ای روایت شود. جلسه گذاشتیم و نویسنده هم با همراهی، در اختیار پروژه بود تا اگر نیاز به هم‌فکری یا بده‌بستان است، حضور داشته باشد.

در همین مدت هم نقدهای مختلفی از دو طیف به سریال مرهم صورت گرفته. مثلا شنیدم که روزنامه‌ای نوشته بود که سریال مرهم ترویج سگ‌گردانی داشته. قدری از این هم بگویید که چقدر این نقدها به گوش‌تان رسیده بود؟

آهنج: من نقدهای این چنینی را نخوانده‌ام اما مطمئن هستم که قضاوت زودهنگام داشته‌اند و عجولانه گفته‌اند. چون از یک اثر ۳۰ قسمتی، دست کم باید ۱۰ قسمت بگذرد تا بتوانند نقد کنند. خیلی به این نقدها توجهی نمی‌کنم. حتی وقتی قرار است به یک خطبه گوش کنیم، باید ابتدا و انتهای آن را بشنویم تا بتوانیم نظر درستی بیان کنیم. از مرزها بگذریم، در مجموع برخی خطوط تعریف‌شده فرضی است و قرار است شکسته شود؛ بخشی هم توهمات ما بوده که فکر می‌کردیم نباید وارد آن شویم اما مشکلی نداشته اما حالا می‌بینیم که برخی مسائل را گفته‌ایم و اتفاق بدی هم نیفتاده. در مجموع باید صبر کنیم تا پخش تمام شود و نتیجه درست‌تری از آن بگیریم.

آقای قافله باشی شما هم به‌نوعی برای اولین سریال رسمی با تلویزیون خطر کردید. ماجرا چه بود؟

سجاد قافله باشی، تهیه‌کننده: به طور کلی سینما و محصولات نمایشی، جذابیت ظاهری دارند که ما آن را دوست داریم اما یک باطن و محتوایی دارد که شاید مهم‌تر باشد. فکر می‌کنم اگر ۳۰قسمت سریال بسازیم و بعد از پایان آن مخاطب احساس کند که حرف مهمی مطرح نشده، انگار وقت خودمان را هدر داده‌ایم. از این جهت همیشه دنبال این بودیم موضوعاتی را مطرح کنیم که برای جامعه اهمیت داشته باشد؛ یعنی نسبت به آن معترض باشد یا ابهامی درباره آن داشته باشد.

موضوع زندگی دینی و دینداران که روحانیت بخشی از این جامعه است، موضوع مهمی است که جامعه نسبت به آن حساسیت‌هایی دارد. سال ۱۴۰۱ که به‌نوعی نقطه عطف تولید این اثر بود و مصوب شد، متوجه شدیم که جامعه چقدر نسبت به روحانیون دچار ذهنیت‌های مختلف است. احساس کردیم جای آن در سال‌های گذشته خالی بوده است. تلقی خودم این است که مرهم نسبت به استانداردهای فعلی تلویزیون، به‌روز و جلوتر است اما نسبت به جامعه، هنوز هم عقب هستیم. یعنی این کار را باید ۱۰-۱۵ سال قبل می‌ساختیم. به نظرم جسارت آن در بخشی از بدنه مدیریتی وجود نداشت و خیلی از سؤال‌هایی که امروز در جامعه وجود دارد، باید در گذشته پاسخ داده می‌شد. وقتی آن را پاسخ نمی‌دهیم، فضای ابهام به گونه‌ای جلو نمی‌رود که ما دوست داشته باشیم. از این جهت وقتی اولین‌بار در سال ۱۳۹۶ ایده قصه مطرح شد، احساس می‌کردم بسیار برای جامعه ضروری است و حتی همان زمان هم دیر بود. سال ۱۴۰۱ نقطه عطفی که در جامعه رخ داد باز هم ثابت کرد که باید زودتر سراغ آن می‌رفتیم. وقتی سال ۱۴۰۲ پیش آقای آهنج رفتیم، نگرانی داشتم که شاید او در این زمینه با ما هم‌افق نباشد اما دیدم که از ما در این زمینه دغدغه‌مندتر و روشن‌تر و آوانگاردتر است. شاید ما بسته به ملاحظاتی سعی می‌کردیم که برخی مواقع محافظه‌کاری کنیم اما آقای آهنج محکم وارد شدند و کار را رهبری کردند.

آقای انتظاری این چهارمین اثری است که شما با آقای آهنج همکاری می‌کنید. چه شد که دوباره با این کارگردان همراه شدید؟ به هر حال نقش میثم نقش خاصی است و باید برایتان جذابیت خاصی داشته باشد که آن را پذیرفته باشید...

مسعود انتظاری، بازیگر: روزی که آقای آهنج می‌خواست با من صحبت کند و درباره این سریال بگوید، گفتم فقط بگویید کجا را امضا کنم. یعنی حتی نمی‌دانستم نقشم در سریال چیست. در واقع به ایشان اطمینان کامل داشتم. بعد قصه و نقش را توضیح دادند. همان روز قرارداد را امضا کردم و نگذاشتم به روز بعد کشیده شود. دلیل اصلی پذیرفتن نقش میثم برای من، خود آقای آهنج بود. در واقع چهارمین کاری بود که افتخار داشتم با او کار کنم.

البته سریال «راستش را بگو» را هم قرار بود با آقای آهنج کار کنم که به دلیل مشغول بودنم در یک کار سینمایی در آبادان، نتوانستم با ایشان کار کنم اما تداوم این کار و این‌که بدون آگاهی قبول کردم، به سریال «فصل مینا» بازمی‌گردد. البته قبل از آن و در «آسمان من» هم با آقای آهنج کار کرده بودم و همکاری خوبی بود اما در فصل مینا، نقش اصلی مجموعه را به من داد که می‌دانم ریسک بزرگی برای این کارگردان بود. این را درک می‌کنم که گزینه‌های زیادی روی میز داشت اما ریسک کرد و فردی مثل من را انتخاب کرد که شناخته‌شده نبودم. آنجا برای من به نوعی این حس ایجاد شد که آقای آهنج در حق من پدری کردند. این در ذهن من نشست.

در مجموع آقای آهنج آن‌قدر از نظر اخلاق و رفتار صبور هستند که می‌دانستم کار را می‌پذیرم. در سریال مرهم سکانس‌های سختی را گذراندیم. خیلی مواقع ناچار بودیم برای راکورد لباس، لباس کمی در اوج سرما به تن کنیم. مثلا سکانسی که میثم قبل از مطرح‌کردن ماجرای پرونده با همسرش، زیر یک پل پیش کارتن‌خواب‌ها می‌رود، خیلی مهم بود. چند بار آن را ضبط کردیم. آنجا هم مدیریت آقای آهنج به کمک‌مان آمد.

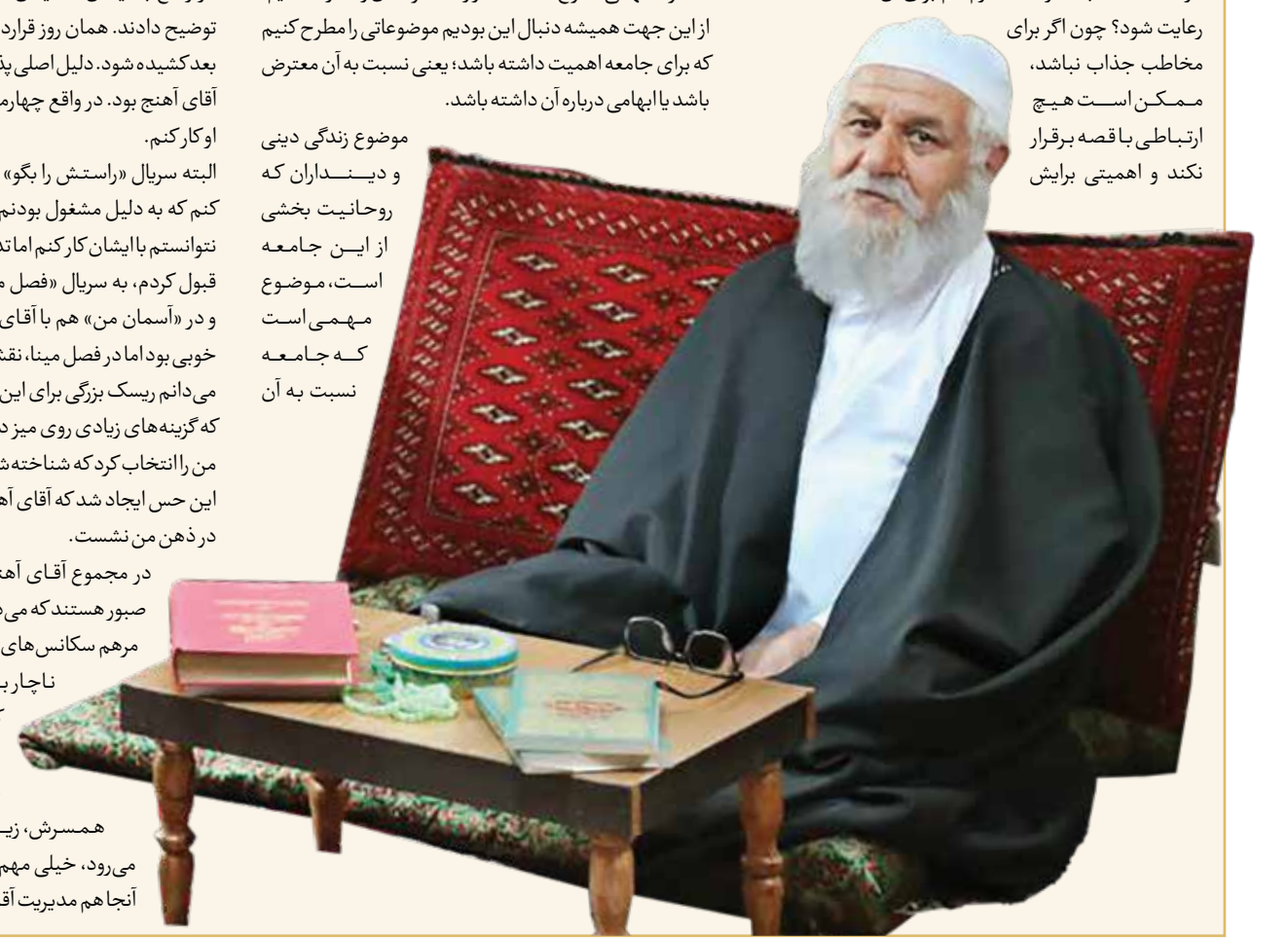

قدری درباره خود کاراکتر میثم و رسیدن به جزئیاتش بگویید. به هر حال یک روحانی که مخاطب تا چند قسمت تصور می‌کند که به‌دلیل کار اشتباهی که کرده بازداشت شده، کار سختی است...

انتظاری: من تنها چند روز بعد از این‌که قرارداد امضا کردم، جلوی دوربین رفتم. همان روزی که حضورم قطعی شد، ۱۵ قسمت از فیلمنامه را یکجا خواندم تا در جریان کلیت قصه قرار بگیرم. در نهایت بیشترین مسأله در اعتماد من به آقای آهنج بود. یکی از نکاتی که آقای آهنج به من گفت مراقب باشم، این بود که کاراکتر را لو ندهم. یعنی می‌خواستیم تا یک جای کار، مخاطب متوجه نشود که شخصیت میثم به چه صورت است.

آهنج: یک نکته در تکمیل صحبت آقای انتظاری می‌گویم. نباید این‌طور تصور شود که آقای انتظاری را به خاطر تعداد کاری که با هم انجام دادیم، انتخاب کردم بلکه با مختصات و ویژگی‌های کار او آشنا بودم و می‌خواستم نقش درستی به او ارائه کنم. به نظرم میثم و مختصات او، به مسعود انتظاری بیشتر شبیه بود. کما این‌که نگاه در این قصه متفاوت بود و پیشنهاد می‌کردند یک فرد جاافتاده باید در قامت او باشد؛ در حالی که من معتقد بودم باید یک خامی و معصومیت در چهره بازیگر این کاراکتر وجود داشته باشد. چون اگر فرد پخته‌ای بود، ممکن بود کل ماجرا را در همان ابتدا لو دهد اما نگاه معصوم، رنگ پوست و بسیاری مسائل دیگر، دلیل انتخاب مسعود انتظاری بود.

آقای آهنج شما استاد خرده‌روایت‌ها هستید و هر بار که برای مردم قصه می‌گویید، قلاب روایت را برای مخاطب می‌اندازید. این روایت مردم عادی در قصه‌های شما بسیار ملموس است. آیا در مرهم هم می‌خواستید زندگی طلبه‌های جوان را در بستر زندگی معمولی مردم بیان کنید؟

آهنج: در مورد خرده‌روایت‌ها باید بگویم هرچه می‌بینید، ماحصل یک کار گروهی است. من به همراه تهیه‌کنندگان و نویسنده یک اتاق فکر تشکیل دادیم که همان ابتدا به آنها گفتم من از خودم انتظار دارم و شما هم باید از من انتظار داشته باشید. چون فراتر از این‌ها فرقی با دیگران نخواهیم داشت. اگر خرده‌روایت درست بیان شده، ریشه در مباحثی دارد که در اتاق فکر، به‌شکل درستی به آن پرداخته شده است.

نکته دیگری که در طرح کلی اثر اهمیت دارد، جزئیات است. وقتی به این جزئیات اهمیت دهیم، بندبند دیوار به مرور بالا می‌رود و یک کلیت درست را شکل می‌دهد. خرده‌روایت‌ها باید در این اثر به خصوص، به‌دقت صورت می‌گرفت تا جذاب باشد. از ابتدا هم قرار بود این‌طور باشد که زندگی عادی طلبه‌های جوان را به شکل واقعی نشان دهیم. کما این‌که اقشار مختلف روحانیون را در این سریال نشان دادیم.

آهنج: از یک اثر ۳۰ قسمتی، دست کم باید ۱۰ قسمت بگذرد تا بتوانند نقد کنند. خیلی به این نقدها توجهی نمی‌کنم. حتی وقتی قرار است به یک خطبه گوش کنیم، باید ابتدا و انتهای آن را بشنویم

البته دیالوگ مردم معترض را هم در قالب صحبت مردم عادی کف جامعه بیان کردید...

آهنج: بله ما چیزی خارج از منویات و سیاست‌گذاری‌ها مطرح نکردیم. یعنی از ابتدا بنا بر همین بود. من می‌گویم باید امروز به مخاطب باج بدهیم. یعنی اگر این باج را ندهیم، ممکن است اصلا با قصه روحانیون ارتباط برقرار نکند. مخاطب باید خود را در تلویزیون ببیند. این را به همه آثار نمایشی تعمیم دهید. وقتی یک اثر نمایشی داریم که بیننده با آن ارتباط برقرار می‌کند و خود را در آن می‌بیند، بهتر با آن ارتباط برقرار می‌کند. اگر ما به عنوان فیلمساز، حرف مردم را نزنیم، آن وقت جبهه معاند وارد می‌شود و روایت را آن‌طور که دوست دارد بیان می‌کند.

قافله باشی: این را هم بگویم که گفت‌وگوهایمان را از دی ماه ۱۴۰۲ شروع کردیم. مخاطب ۳۰ قسمت را می‌بیند در حالی

قاب

روح باباپنجعلی هم به «پایتخت ۷» نرسید

علیرضا خمسه درباره دلایل غیبتش در «پایتخت ۷» توضیحاتی را عنوان کرد و گفت که نظر عوامل این بود که بازگشت پنجعلی باورپذیر نیست. خمسه، بازیگر نقش باباپنجعلی در فصل‌های قبل سریال «پایتخت» که حضورش در فصل جدید با پرسش‌هایی متعدد مواجه شده بود، درباره غیبتش در این فصل توضیح داد: پیشنهاد من به بچه‌های «پایتخت» این بود که پنجعلی با استفاده از حقه‌های سینمایی به این سریال برگردد ولی گروه گفتند که بازگشت پنجعلی باورپذیر نیست. به گفته خمسه، قراری هم گذاشته شد اما زمانی که برای همکاری تعیین شد با یکدیگر مطابق نبود و درنهایت به توافق نرسیدند.

تماشا

«شوالیه تاریکی» در شبکه نمایش

شبکه نمایش در ماه رمضان و تا پایان تعطیلات نوروز ۱۴۰۴ بخش ویژه پخش فیلم‌های دنباله‌دار را به بینندگان خود تقدیم می‌کند. در همین راستا فیلم سینمایی دنباله‌دار «شوالیه تاریکی» و «شوالیه تاریکی برمی‌خیزد» را روانه آنتن می‌کند.

فیلم شوالیه تاریکی محصول ۲۰۰۸ به کارگردانی کریستوفر نولان است که نویسندگی آن را برادران نولان و دیوید اس گویر برعهده داشته‌اند و دوشنبه ۲۷ اسفند ساعت ۲۱ از شبکه نمایش پخش می‌شود.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: یک جانی دیوانه به نام جوکر، شهر گاتهام را به آشوب می‌کشد و همین باعث می‌شود بتمن وارد عمل شود؛ حالا او باید با غلبه بر تمام چالش‌هایی که جوکر پیش‌رویش قرار می‌دهد، آرامش را به شهر بازمی‌گرداند... فیلم شوالیه تاریکی برمی‌خیزد، هشت سال پس از ماجراهای جوکر و مرگ هاروی دنت روایت می‌شود.

دریچه

بررسی تمهیدات ترافیکی روی آنتن

مجتبی احمدی، تهیه‌کننده برنامه «شهرامن» گفت: در آخرین برنامه شهر امن در سال ۱۴۰۳ تصمیم داریم ضمن جمع‌بندی پرونده‌های باز روی میز ازجمله طرح ۱۰، تخلفات حادثه‌ساز و بررسی تمهیدات ترافیکی پلیس راهور تهران بزرگ ویژه شب‌های قدر، نوروز ۱۴۰۴، عید سعید فطر و... به تحلیل پویش «نه به تصادف» با هدف کاهش تصادفات و تخلفات رانندگی در تعطیلات نوروز بپردازیم. تهیه‌کننده شهر امن افزود: در این برنامه که میزبان رئیس پلیس راهور تهران بزرگ هستیم، به گوشه‌ای از اقدامات این پلیس در تسهیل تردد در روزهای پایانی سال و آمار اعمال قانون و تصادفات سال ۱۴۰۳ نیز می‌پردازیم. احمدی ادامه داد: در سال ۱۴۰۴ نیز از روز ۱۶فروردین‌ماه با گزارشی از وضعیت رخدادها و اتفاقات نوروزی که امیدوار هستیم با اخبار خوبی همراه باشد، این فصل از برنامه را از سر خواهیم گرفت. برنامه شهرامن روزهای زوج حوالی ساعت ۸:۳۰ روی آنتن شبکه تهران می‌رود.